



آداب‌های تربیت پیرجمانه

دکتر حسنعلی میرزا بیگی

(استاد دانشگاه و مدرس خانواده)

لیلا خضرائی راد

سرشناسه	:	میرزا بیگی، حسنعلی، ۱۳۴۰ -
عنوان و نام پدیدآور	:	آسیب‌های تربیت بی‌رحمانه / حسنعلی میرزاییگی، لیلا خضرای‌راد؛ ویراستار مرضیه صدرالسادات‌زاده.
مشخصات نشر	:	تهران: آوا متن، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	:	۱۶۰ ص: ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.
شابک	:	۱۸۰۰۰۰ ریال 978-600-6848-52-5
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	تربیت خانوادگی
موضوع	:	Domestic education*
موضوع	:	کودکان — سرپرستی
موضوع	:	Child rearing
موضوع	:	رفتار والدین
موضوع	:	Parenting
موضوع	:	رفتار والدین — جنبه‌های روان‌شناسی
موضوع	:	Parenting -- Psychological aspects
شناسه افزوده	:	خضرای‌راد، لیلا، ۱۳۵۰ -
شناسه افزوده	:	صدرالسادات‌زاده، مرضیه، ۱۳۳۳ - ویراستار
رده بندی کنگره	:	۶۱۶-۵۹
رده بندی دیویی	:	۶۹/۱
شماره کتابشناسی ملی	:	۱۳۹۸



آسیب‌های تربیت بی‌رحمانه

حسنعلی میرزاییگی / لیلا خضرای‌راد

ویراستار: مرضیه صدرالسادات‌زاده

978-600-6848-52-5 ■ ۵-۵۲-۶۸۴۸-۶۰۰-۹۷۸

تیراژ: ۱۰۰۰ / نشر آوا متن ■ نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان ■ چاپ: فرشپوه / صحافی: روشنگر

سایت و همراه مؤلف ۰۹۱۲۲۳۳۴۵۲۰ @hasanalimirzabeyki

مؤسسه نشر آوا متن mail_avamatn@yahoo.com ۶۶۹۶۴۱۶۶

فهرست مطالب

۵.....	انگیزه نوشتن کتاب
۹.....	مقدمه
۱۳.....	مادر، پدرم
۱۵.....	عناصیر آسیبهای تربیت پیرحماته
۱۷.....	تربیت بی عجزولانه
۲۰.....	آسیب های بازرسی کیف
۲۲.....	آسیب های تعویق کردن کودک
۲۶.....	فرزندان بدور شک بدون اعتماد به نفس
۲۹.....	آسیب های ترویج کتاب های آموزشی
۳۱.....	آسیب فضای مجازی چاره ای؟
۳۳.....	علایم بالینی اعتیاد به فضای مجازی
۳۶.....	آسیب تخریب از طریق انرژی منفی
۴۰.....	آسیبهای تقویت احساس گناه در فرزندان
۴۲.....	آسیبهای دین دار کردن کودک
۴۶.....	آسیب های مادر بزرگ های مهربان
۴۷.....	حساسیت بیش از اندازه والدین
۵۱.....	تشکر از خداوند و ... اعتماد به نفس
۵۲.....	قدرت ریسک با تفکر مثبت
۵۴.....	آسیب های تربیت سلیقه ای و خودخواهانه
۵۶.....	تبعیض بی رحمانه ترین رفتارها
۵۸.....	ویروس زندگی
۶۰.....	آسیب های خشم پدر و مادر
۶۲.....	آسیب های ترحم بیش از حد پیرحمی آشکار
۶۴.....	احترام به خانواده زمینه تربیت فرزندان
۶۷.....	آسیب های رفتارها و مسائل جنسی
۶۸.....	آسیب های محیط بی بند و بار
۶۹.....	آسیبهای مشاهده روابط بین والدین توسط کودک
۷۱.....	ذهن فرزندان خود را سطل آشغال نکنید
۷۳.....	آسیب رگبارها
۷۴.....	آسیب های دوستان بد

۷۶	آسیب های مادرهای خوشگذران.....
۸۰	آسیب های تعارض در رفتار، چهره دوگانه.....
۸۳	آسیب های نصیحت کردن.....
۸۵	آسیب های منت گذاشتن.....
۸۷	آسیب های تاکید بر زود خوابیدن.....
۹۲	آسیب های دستکاری در رشد شخصیتی.....
۹۴	الک های بی رحمانه.....
۹۹	اوقات فراغت، زندانی دیگر.....
۱۰۱	آسیب های ناآگاهی و عدم آموزش برای کودکان در مسائل جنسی.....
۱۰۳	آسیب های دوستی های افراطی.....
۱۰۵	آسیب های محبت افراطی در منزل.....
۱۰۷	آسیب های عدم رشد و تکامل ... کودکان.....
۱۱۰	آسیب های ... (حرف بر تپه ها) گوش کن.....
۱۱۳	ترازوی محبت باید ساوا باشد.....
۱۱۳	آسیب های قضاوت در دعوی کودکان.....
۱۱۴	تخلیه انرژی بهترین هدیه خانواده.....
۱۱۷	نظر ابن سینا در مورد فعالیت بدنی.....
۱۲۱	تک سرپرستی را بزرگ جلوه ندهید.....
۱۲۳	مادر و مسئولیت پذیری فرزندان.....
۱۲۶	چرا آنقدر از بلوغ فرزند خود می ترسید.....
۱۲۹	آسیب های غم و اندوه در خانواده.....
۱۳۱	آسیب های کم شدن اقتدار پدر.....
۱۳۳	پس مادران به پدران قدرت بدهید.....
۱۳۴	همجنس گرایی یا تمایل به جنس موافق.....
۱۳۶	همه چیز مهمتر از فرزند.....
۱۳۸	عذرخواهی ابزار قدرت، انتقام و کینه.....
۱۴۱	در مقابل رفتارهای نابهنجار فرزندان.....
۱۴۶	کنترل و هدایت رفتار کودکان.....
۱۴۸	رهنمودهای عملی در تربیت.....
۱۵۳	برای احترام به فرزند با هم مشورت کنید.....
۱۵۴	در تمام امور زندگی مشورت کنید.....
۱۵۷	فهرست منابع.....

انگیزه نوشتن کتاب

مهم‌ترین چیزی که در درونم شعله می‌کشید و مرا وادار نمود دست به قلم شوم دو علت داشت یکی این که خانواده‌ها هر وقت گرفتار می‌شوند بیدار می‌شوند و وقتی در بدترین شرایط قرار بگیرند حاضر هستند تمام زندگی خود را هزینه کنند تا فرزندان را از باتلاقی که در آن گرفتار شده نجات دهند اما زمانی متوجه می‌شوند که شاید راهی برای برگشت او نباشد. وقتی نوجوانی معتاد می‌شود، وقتی داری دوستان متعدد پسر را تجربه می‌کند، وقتی پسری اعتیاد به هم‌جنس‌گرایی پیدا می‌کند، وقتی فرزندی دست به سرقت می‌زند و... ولی دیگر برگرداندن آنها به وضعیت اول بسیار سخت یا اصلا امکان پذیر نیست، در این وضعیت پدر و مادر چه‌کاره می‌شوند.

انگیزه دوم همیشه در فکر بودم که چرا پدر و مادرها آن قدر فرزندان را دوست دارند و هزینه می‌کنند، ولی متأسفانه در کشانی به سنگ می‌خورد. گفتم شاید روش تربیت اشتباه باشد لذا بر آن شدم با کمک انشجویان تحقیقی را در این مورد انجام دهم. تحقیق بسیار سخت و پرهزینه و وقت‌گیر، اما با ارزش. در این مورد ۲۰ سؤال تربیتی متناسب با استانداردهای علمی به روز تهیه نمودم و به صورت تصادفی ۸۰۰۰۰ مادر مورد پرسش قرارگرفتند که به آنها جواب دهند ولی بعد از بررسی و تجزیه و تحلیل سوالات، میانگین نمره مادران "۲/۵" شد که واقعا اسفبار بود. در صورتی که همه ادعا می‌کردند ما بلدیم. پس دلخوش به پدران شدیم و ۲۰ سؤال را به ۵۰۰۰۰ پدر دادیم که همه مدعی بودند: «ما بلدیم و اصلا نیاز به جلسه نداریم و...!» بعد از بررسی و تحلیل میانگین، آرا پدران نزدیک به "۱" شد که خیلی خیلی سنگین بود.

حالا به پدران بگوییم بیایید در جلسه آموزش خانواده شرکت کنید تا به روز بشوید. بلافاصله می‌گویند: «ما؟! خودمان بیشتر بلدیم!» و این بزرگترین خطر است که آن کسی که نداند که نداند که نداند... واقعا باید تدبیری اندیشیده شود و مدیران مدارس، شرکت‌ها، ارگان‌ها و افراد واقعا متعهد، وظیفه اخلاقی و شرعی دارند در این خصوص اقدام نمایند. حضرت علی (ع) فرموده‌اند: «فرزندان خود را با علم روز تربیت کنید». و حضرت آقا هم فرموده‌اند: «خانواده تنگه احد نظام است.»

با این وجه چند باحی یک معمای پیچیده ذهنم را به شدت درگیر کرده بود و آزارم می‌داد. سه روز به دنبال پاسخ این سؤال بودم و در پی چرایی آن که چگونه این پاسخ را به هم‌حرفانم در جریان فعالیت‌های مشاوره‌ای و پیش از سی سال کار در حوزه تعلیم و تربیت مشاهده می‌کردم بعضی از دانش‌آموزان به اوج می‌رسند و برای خود خانواده‌شان مایه رحمت و عشق و محبت و دوستی و صفا و انسانی مفید و موثر می‌شوند ولی برعکس دانش‌آموزانی که به‌هیچ می‌رسند و نه تنها خودشان در اقیانوس ذلت و بدبختی گرفتار می‌شوند بلکه خانواده‌شان را نیز گرنار می‌کنند و چنان خانواده را از خود خسته و خوار می‌کنند که حتی بعضی وقت‌ها دست‌های پدر و مادرها را رو به آسمان دیده‌ام که برای نابودی فرزندشان از صحنه دوزخ به‌خدا متوسل می‌شوند و آنقدر از دست او شاکی و جریحه‌دار هستند که یا آرزوی مرگ خود و یا آرزوی مرگ فرزند را دارند. و انسان پیش خود می‌گوید این چه حکمتی است که پدر و مادری دست‌ها را برای عزت و سربلندی و سلامتی و عاقبت به خیری فرزندانشان خود رو به آسمان می‌برند و پدر و مادری دیگر دقیقا برعکس آن طلب ذلت می‌کنند. این بسیار معنی‌دار است. وقتی انسان می‌خواهد جوابش را پیدا کند اول به سرمنشاء و سرچشمه اصلی مراجعه می‌کند. که منبع آفرینش است و به این نتیجه می‌رسد که آن معبود یکتا بارها بار در کتاب

مقدس و زیبایش می‌فرماید: (فتبارک الله الحسن الخالقین) و در خلقت همه انسان‌ها به خودش افتخار می‌کند که چه زیبا این انسان را خلق کرده پس چه چیزی هست که انسان‌ها در اوج و موج قرار می‌گیرند. تمام این موردهای پیچیده و اختلاف انسان‌ها از زمین تا آسمان، سخت ذهنم را درگیر و به خود مشغول کرده‌بود و این نکته برایم جالب‌تر بود که وقتی دانش‌آموزی با همه امکانات مادی توأم با آسایش زندگی، پدر و مادر تحصیل کرده و... هیچ کدام از نظایات پدر و مادر را تأمین نکرده و هزینه کردن برای آن‌ها مثل آب در آبکش ریخته بوده است. هزینه‌ی چند میلیونی کلاس‌ها و جالب‌تر از آن تنوع کلاس‌ها و تربیت آن‌ها اما نتیجه‌اش هیچ هیچ بوده که اگر نبود بسیار بهتر بود. و از آن طرف برعکس وقتی برای سخنرانی به بعضی از روستاها و شهرستان‌ها می‌رفتم تمام دانش‌آموزانی را بر در و دیوار مدرسه‌ای بسیار عادی و معمولی می‌دیدیم که در رشته‌ی پزشکی، مهندسی و حقوق در دانشگاه‌های معتبر قبول شده بودند. کسی که اصلاً امکاناتی نداشته و از صفر به صد رسیده‌اند و بدون اینکه در مدرسه پر آوازه‌ای درس خوانده باشند و به هیچ کدام از آن کلاس پر آب و تاب رفته باشند با تمام اینها باز بیشتر در پی جواب قانع کننده‌ای برای ذهنم بودم تا کتاب‌ها و تحقیقات متعددی را مطالعه کردم تا روزی خداوند بزرگ کتابی را پیش‌بردار داد که انگار نویسنده فقط برای پاسخ به سوال‌های من نوشته و فقط با من حرف می‌زند. کتاب "تربیت آسیب‌زا استاد ارجمند بزرگوار"^۱ تمام وجودش را صرف تربیت و آموزش و پرورش کرده است. کتاب بسیار شیرینی که فقط ده‌ها بار باید آن را بخوانی. زیبایی آن کتاب چنان مرا محو خود کرده بود که نه تنها شاکر خداوند بودم بلکه به خود گفتم پس حالا که من جوابم را گرفتم وظیفه دارم کتابی را برای مردم عزیز و مهربان کشورم بنویسم که آن‌ها هم بدانند

زیرا در کتاب وقتی صادقانه بنویسی حتما عاشقانه خوانده می‌شود و به پاس خدمات ارزشمند این استاد دانشمند که از بعضی از نوشته‌های آن‌ها استفاده می‌کنم این کتاب را نیز چون دانش آموزی کوچک که نقاشی‌ای خطی خطی خود را به معلم خود تقدیم می‌کند، من هم نیز چنین کاری خواهم کرد تا هم افتخاری برای من که چنین استادی را در کشور عزیزم دارم و هم استفاده از مداد کتابشان موجب عزت و سلامتی ایشان باشد.

حال با تمام تجربیات و بی‌بضاعتی علمی که دارم این کتاب را می‌نویسم و اگر فرصتی برای خواندن باشد تا تغییری در رفتارها در حد امکان ایجاد کند، ما هم در سوره خنوع متعال مسئول نباشیم.

در پایان یکصد و بیست و هفتمین کتاب را تقدیم می‌کنم به پیشگاه مطهر حضرت موسی ابن جعفر روز شهادت ایشان و یادبود مرحوم سید دکتر مجتبی لطیفی که مصداق باره همه خوبی‌ها و خدمتگزاری صدیق و بی‌ادعا بود.